



عبدالناصر نورزاد

استاد پیشین دانشگاه کابل

گمانه‌زنی‌های زیادی در خصوص تلاش هندی‌ها برای تأمین ارتباط معنی‌دار با رژیم طالبان، صورت گرفته است. بعضی، این تلاش‌ها را رویکردی مبتنی بر بازگشت هند پس از سقوط نظام جمهوریّت در افغانستان می‌دانند. برخی، آن را تلاشی در جهت همکاری راهبردی با آمریکا می‌دانند که در تحت دکترین راهبردی جنوب آسیا با مشارکت هند و سایر متحدان استراتژیک آن در منطقه، مخصوصاً افغانستان، جنبه تحقق پیدا خواهد کرد. حتی فراتر از آن استدلال می‌شود که هندی‌ها در تلاش فرصت طلبی هستند و با راه‌اندازی یک بازی هوشمندانه در تلاش‌اند تا از خلأ به وجود آمده میان پاکستان و طالبان که نمی‌توان آن را باور کرد، بهره‌برداری می‌کند. در حالی‌که حقیقت موضوع را می‌توان در راستای انکشاف اوضاع، پیچیدگی بازی‌های امنیتی و استخباراتی، پذیرفت و به تحلیل موقعیت پیش آمده، پرداخت. مانور جدید هندی‌ها در افغانستان، بخشی از راهبرد نیمه‌تمام جنوب آسیای آمریکاست که این بار با یک رویکرد چندجانبه‌گرایی، در حال تحقق است. هندی‌ها در مشورت با آمریکا، در حال شامل شدن در پروژه افغانستان بسا ترامپ هستند. این راهبرد برای قوام نفوذ و همزونی آمریکا و متحدانش و یا حداقل با هدف کاهش و یا جلوگیری از نفوذ چین در منطقه جنوب آسیا طراحی شده بود و محور آسیایی‌را که شامل روسیه، ایران و چین است، به عنوان بزرگ‌ترین تهدیدات امنیتی و ژئوپولیتیکی برای نظم نوین آمریکایی که در نتیجه فروریخت بنیادهای نظام دوقطبی و فروپاشی اتحاد شوروی سابق، بنا نهاده شده بود، در محاسبه داشت. حالا، آمریکا با مدنظر داشت وضعیت پیچیده و مغلق نظام بین‌الملل، ظهور بازیگران جدید دولتی و غیر دولتی، تلاش محور آسیا برای تغییر در ماهیت نظم بین‌الملل، بازگشت به راهبرد بازمانده و تلاش برای نفوذ در مناطق دارای اهمیت راهبردی، یک ترکیب نامتجانسی از هند، پاکستان، شرق آسیا را که در محور تهدات امنیتی اکوس و کواد با آمریکا هم‌پیمانی راهبردی دارند و همه در یک جبهه علیه چین، روسیه و ایران است، می‌کشد؛ می‌کوشد حلقه از متحدان را برای تنگ ساختن دایره محاصره چین به وجود بیاورد. در این راستا، نقش هند و پیوند تاریخی آن با جغرافیای افغانستان، خیلی‌ها ارزشمند و دارای اهمیت راهبردی است. از طرف دیگر، رقابت شدید هند با جمهوری خلق چین، بن پایه اصلی این اتحاد استراتژیک میان هند و آمریکاست. هر دو کشور، با بلندپروازی‌های چین در منطقه شرق آسیا، هند و پاسیفیک و تلاش چین برای تأمین و استمرار حلقه‌های تأمیناتی ماشین همزینک این کشور، مخالفت دارند. برعلاوه، تلاش آمریکا برای محدودسازی شبکه‌های تأمیناتی چین که پیوسته از آب راه‌های راهبردی صورت می‌گیرد، در ضمیمه این راهبرد قرار دارد. پس از اتفاقات خاورمیانه، موضوع اوکراین در شرق اروپا، تلاش برای تداوم حضور آمریکا در عراق، موضوع هسته‌ای ایران، حال‌نویب به افغانستان رسیده موضوع افغانستان تحت کنترل طالبان، بستر خوبی برای مقابله با همزینیک‌گرایی چین است که در تحت راهبرد جنوب آسیای آمریکا، به آن پرداخته می‌شود؛ چیزی که در مسیر همخوانی منافع هند، نیز قرار دارد. اما هند در تلاش است تا با استفاده از موقعیت پیش آمده، با استفاده از همراهی آمریکای تحت رهبری ترامپ که به شدت به چین می‌تازد و واکنش تندی بر ناملایمت‌های منطقه پس از خروج آمریکا دارد، بهره‌برداری چندمنظوره‌ای کند. جلب اعتماد طالبان، احیای نفوذ در افغانستان. استفاده از موقعیت افغانستان در جهت ترانزیت منطقه‌ای که از طریق بندر چابهار ممکن است و تلاشی در جهت محدودسازی نفوذ چین و پاکستان در افغانستان، بخشی از دلایل اصلی این همراهی راهبردی با آمریکا است که هند در آن پیش قدم شده است. مطمئناً، هندی با درک وضعیت پیش آمده و با مدنظر داشت اهداف کلیدی و منافع حیاتی‌شان، حاضر شده‌اند تا روابط‌شان را با طالبان، تحکیم بخشدند و در آینده افغانستان، سهم داشته باشند. هند این بار با این همراهی راهبردی با آمریکا، بخشی از یک راهبرد منطقه‌ای آمریکا در مرکز، جنوب و شرق آسیا شده است. هند با نگاه راهبردی در تلاش است تا از یک طرف، برنامه‌های اقتصادی خود را شامل تأمین نفت مورد نیازش از منطقه تأمین‌کننده واز سوی دیگر، می‌کوشد تا در برنامه جدید آمریکا، شریک‌کلیدی و دارای نفوذی باشد که بتواند از منافع حیاتی و راهبردی خود دفاع کند. باید گفته‌شود که آنچه در مورد نقش هند در منطقه سخن زده می‌شود، همه متاثر از دیدگاه‌های ناسیونالیسم هندی، منافع حیاتی اقتصادی و امنیتی و تلاشی در جهت تقویت بنیاد‌های امنیتی سیاست خارجی این کشور است که منبعث از کنش و واکنش‌های رقیب‌ای اصلی آن یعنی چین و پاکستان است. هند اگرچه در یک تضاد دایمی امنیتی با پاکستان قرار دارد، اما این بار مساله همزینیک‌گرایی چین به مراتب بیشتر از تهدید یک پاکستان سقوط کرده در یک بحران فراگیر سیاسی، امنیتی و اقتصادی است که عجلالتا تهدید آن، برای هند کمتر احساس می‌شود. با مدنظرداشت قاعده جدید بازی، هندی‌ها با روش‌های سنتی سیاست صبر و شکیبایی و تحلیل از وضعیت جدید، در تلاش‌اند تا حمایت آمریکا را در منطقه داشته باشند. به همین منظور، پس از سقوط جمهوریّت که شاهد حضور روزافزون چین، روسیه و ایران در افغانستان تحت تسلط طالبان بودیم، هندی‌ها با اتخاذ یک سیاست محتاطانه، مترصد فرصت بودند تا بخشی از سیاست‌های چندجانبه‌گرایانه رقیب‌ای محور آسیایی شوند که در تحت راهبرد جنوب آسیای آمریکا، قابل تبیین است. هندی‌ها با تعمیق روابط‌شان با طالبان، می‌خواهند نشان دهند که تنها محور آسیایی، صاحب‌یکه‌تاز میدان افغانستان نیست و منافع هند باید مراعت شود.

مرتضی افقه در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

# صورت مسأله بحران اقتصادی پاک‌شده است

»

**بانک مرکزی کنترلی روی وضعیت بازار ارز ندارد**

**تنش‌های منطقه‌ای محرک اصلی نرخ ارز است**

**با افزایش تنش‌های بین‌المللی میزان تورم**

**افزایش پیدا خواهد کرد**

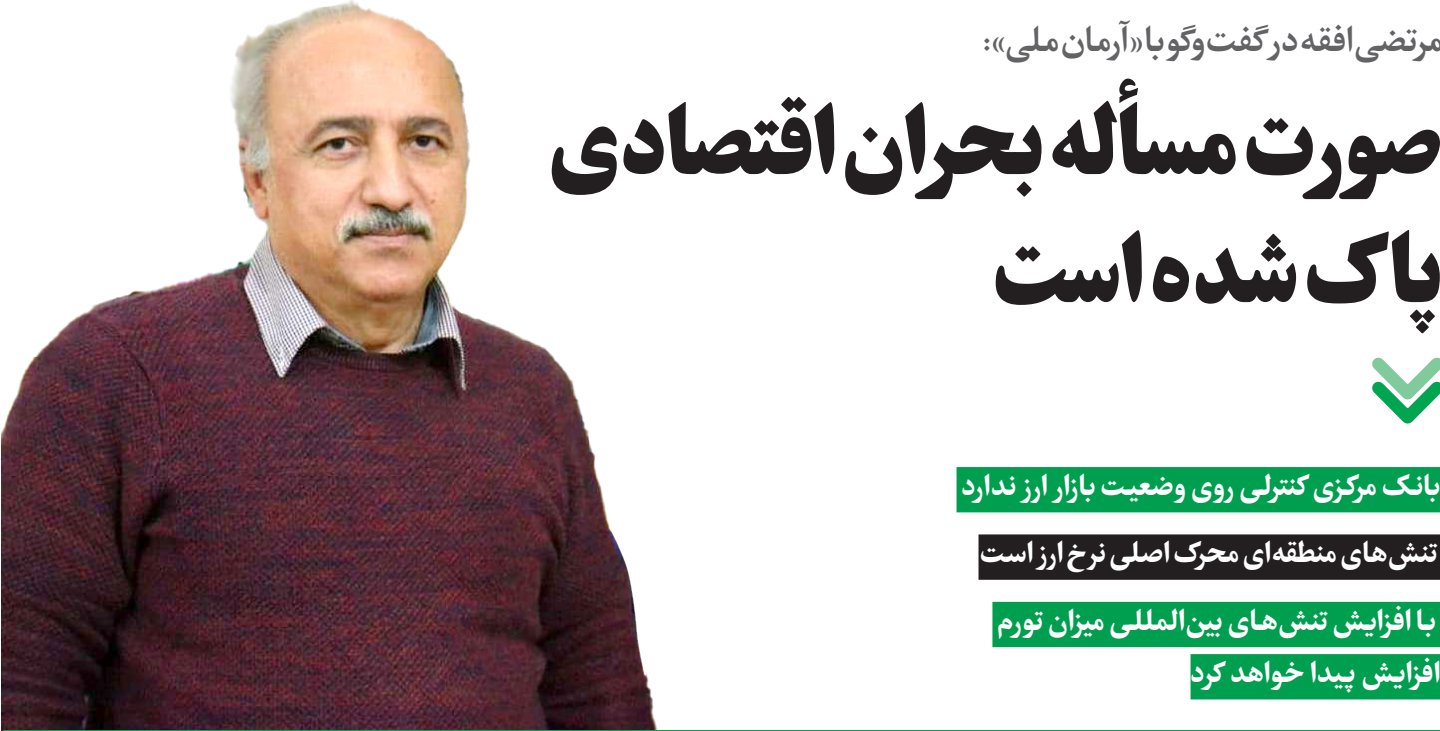
آرمان ملی- احسان انصاری؛ بعد از تلاطم و نوسانات شدیدی که بازار ارز به خود دید، چند روزی هست که این بازار مهم، آرامش نسبی یافته و فعالان اقتصادی فرصت یافته‌اند که برای هماهنگی با قیمت‌های جدید این بازار برنامه‌ریزی کنند. در چنین شرایطی تا چند روز آینده دونالد ترامپ به صورت رسمی کار خود را به عنوان رئیس جمهور آمریکا آغاز خواهد کرد و روشن نیست که اقتصاد ایران چه واکنشی به آن نشان خواهد داد. افکار عمومی دنبال پاسخ این پرسش است که آیا میزان تورم در ماه‌های آخر سال، افزایش بیشتر خواهد داشت؟ «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوعات با دکتر مرتضی افقه اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. افقه معتقد

◀ **بازار ارز از یک موج گذشت و به آرامش نسبی رسیده است. آیا تلاطم در این بازار موجب افزایش تورم در ماه‌های آخر سال خواهد شد؟**

وضعیتی که اخیراً درخصوص بازار ارز کشور اتفاق افتاد و باعث بروز مشکلات معیشتی فراوان و نوسانات بازارها شد، ناشی از این است که مناسفانه در بین برخی اقتصاددان‌ها بازار آزاد طرفداران بسیار دارد. این طیف و این گروه نه تنها طرفدار این ایده هستند بلکه اصرار دارند که مبتنی بر ایده‌های بازار آزاد نظام تصمیم‌سازی اقتصادی و راهبردی کشور را هدایت کنند. به نظر می‌رسد این افراد تصور می‌کنند شرایط ایران کاملاً عادی است و ما مانند یک کشور اروپایی زندگی می‌کنیم. فکر می‌کنند همه چیز در امن و امان است و نظام تصمیم‌سازی سر جای خود قرار دارد. این دوستان انگار باور ندارند که ایران در یکی از خطرناک‌ترین شرایط خود در طول سال‌های پس از انقلاب قرار گرفته است. در شرایط سخت و نوسان هر دولتی در سطح جهان جدا از تصمیمات اتخاذ شده عادی و روتین، تلاش دارد به صورت توأمان هم منافع اقتصاد کلان کشور و هم مطالبات تولیدکننده و هم مسائل و مشکلاتی را که به نوعی به دهک‌های محروم مرتبط است، مد نظر قرار دهد. طرفداران این تفکر در دولت احساس معتقدند که تفاوت در قیمت ارز باعث شده تا آمارهای فساد در اقتصاد بالا رفته و نهایتاً با برخی پنهان‌کاری‌ها در بین صادرکنندگان و واردکنندگان مواجهه بوده‌ایم.

◀ **در واقع صورت مسأله اشتباه تعریف شده است؟** خیر، صورت مساله درست است، ولی آقایان به جای حل مساله توزیع رانت در کشور، تلاش کرده‌اند صورت مساله را پاک کنند. یعنی به جای افزایش نظارت و حذف رانت، توزیع ارز دولتی را که کمک می‌کرد برخی اقلام ضروری ارزان‌تر به دست مردم برسد حذف کرده‌اند. سیاست‌گذاران تصور کرده‌اند که اگر ارز را با نام جدید ارائه کرده و نرخ آن را نیز افزایش دهند، صادرکنندگان انگیزه بیشتری برای ارائه ارز خواهند داشت، اما به این واقعیت توجه نکرده‌اند که فقدان ثبات در اقتصاد، خطر بردن شرایط و تنش‌های منطقه‌ای صادرکنندگان را از هر نوع حضور و سرمایه‌گذاری بیشتر نگران می‌کند. اینکه صادرکننده با ارزگران تر انگیزه بیشتری برای ارائه ارز پیدا می‌کند گزاره درستی است، اما فقط انگیزه قیمت کافی نیست و کاهش ریسک و ثبات اقتصادی هم باید مکمل قیمت بالاتر باشد تا عرضه ارز بیشتر شود.

تنش‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای، همچنین پیش‌بینی رفتار ترامپ که آیا وارد فاز سخت‌گیری می‌شود یا نگاه متعادل‌تری خواهد داشت، عواملی هستند که باعث شده صادرکننده ایرانی میل زیادی برای ارائه ارزهایش نداشته باشد. نتیجه این رویکرد آن است که دولت از ابزار ارز استفاده کرده و تا جایی که امکان داشته باشد با هدف افزایش عرضه ارز و کاهش رانت، آن را گران می‌کند اما به دلیل نبود متغیرهای مکمل دیگر و فقدان ثبات نه



است؛ «تنش‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای، همچنین پیش‌بینی رفتار ترامپ که آیا وارد فاز سخت‌گیری می‌شود یا نگاه متعادل‌تری خواهد داشت، عواملی هستند که باعث شده صادرکننده ایرانی میل زیادی برای ارائه ارزهایش نداشته باشد. نتیجه این رویکرد آن است که دولت از ابزار ارز استفاده کرده و تا جایی که امکان داشته باشد با هدف افزایش عرضه ارز و کاهش رانت، آن را گران می‌کند اما به دلیل نبود متغیرهای مکمل دیگر و فقدان ثبات نه تنها این اهداف حاصل نمی‌شود بلکه معیشت مردم نیز به خطر افتاده و اقلام داخلی هم گران‌تر به دست مردم می‌رسد. نهایتاً نرخ ارز هم با افزایش قیمت مواجه شده و سر به آسمان می‌کشد.» در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

اساسی این است که نباید مردم تحت فشار سنگین و خردکننده نوسانات ارزی قرار بگیرند.

◀ **در صورتی که با حضور رسمی ترامپ در کاخ سفید تنش‌های منطقه‌ای افزایش پیدا کند، آیا این احتمال وجود دارد که قیمت ارز از پیش‌بینی‌های متعارف نیز بیشتر شود؟**

در شرایط کنونی دولت بی‌پولی خود را از مدیریت ارز تأمین می‌کند. تصور دولت این است که با حذف ارز نیمایی انگیزه برای صادرکنندگان ایجاد می‌شود که پولشان را به کشور بگردانند و در همین شرایط بازار با ارز بسیاری مواجه شود. مسئولان اقتصادی این را می‌دانند که واردکننده فقط به خاطر ارز دو نرخی نبود که پول‌های خود را در خارج نگه می‌داشت و به آسانی آن را وارد کشور نمی‌کرد، بلکه نگرانی از آینده باعث می‌شده که سرمایه‌ها در کشورهای دیگر باقی بماند. تردید نیست که در حال‌هایی که ارائه می‌شود برای غلبه بر همین مشکل است، اما می‌توان انتظار داشت که اگر آمدن ترامپ به معنای افزایش تنش‌ها نباشد، در آن صورت گرایش به بازگرداندن ارز کمتر هم خواهد شد و تنش‌های منطقه‌ای روی این مسأله اثر خود را می‌گذارد. به هر حال این احتمال را باید در نظر گرفت که با توجه به دوره گذشته ریاست جمهوری ترامب، احتمال دارد که تنش‌زدایی به موفقیت نرسد و در آن صورت سخت‌گیری‌ها دوباره شروع خواهد شد و فشار بر اقتصاد کشورمانکه در دوره بایدن و در دولت سیزدهم قدری کم شده بود، دوباره شدت می‌گیرد. تصور این بود که دولت سیزدهم از فرصت احیای برجام و کاهش تحریم‌ها بهره‌لازم را برده و زمینه کاهش تحریم‌ها و دستیابی به توافق را فراهم می‌سازد اما این فرصت تاریخی از دست رفت. با در نظر گرفتن همه این مطالب است که این انتظار را نمی‌توان دور از ذهن دانست که ترامپ نسبت به قبل تغییری نکرده باشد و اتفاقاً با توجه به تجربه بیشتری که به دست آورده همان سخت‌گیری‌ها را علیه کشورمان تداوم بخشد. از آنجاکه ترامپ به طور کلی طرفدار جنگ نیست، اگر تلاش‌های فرصت‌مناسسی در صورت منتشر کرده و فروختند، از صندوق توسعه ملی برداشت کرده و استفاده کردند و امکانات و ظرفیت‌های دیگر را هم به کار گرفتند اما امروز تقریباً می‌توان گفت که اغلب ظرفیت‌های اقتصادی استفاده شده و دولت چیز خاصی در دست ندارد.

**تصور این بود که دولت سیزدهم از فرصت احیای برجام و کاهش تحریم‌ها بهره‌لازم را برده و زمینه کاهش تحریم‌ها و دستیابی به توافق را فراهم می‌سازد اما این فرصت تاریخی از دست رفت**

## گشایش باب مذاکره با آمریکا؟

باشد و از سطح تنش بین ایران و آمریکا کم شده باشد. به احتمال خیلی زیاد جنگ روسیه و اوکراین هم همین روزها به پایان می‌رسد و مسئله غزه هم به قرارداد آتش‌بس خواهد انجامید. به عبارت دیگر شرایط نسبت به سال‌های اوج تنش در منطقه تغییر کرده و احتمال رسیدن به توافق بیشتر شده است تا با غریبه‌ها قرارداد‌ی

### تلنگر

سفر تاریخی پزشکیان به مسکو

### مشارکت استراتژیک

مسعود پزشکیان روز جمعه عازم روسیه خواهد شد؛ سفری که در جریانش قرار است توافقاتنامه مشارکت استراتژیک میان تهران و مسکو امضا شود؛ پیمانی که در قایش همکاری دو بازیگر در حوزه‌های تجاری، انرژی و نظامی برجسته شده و بستر برای تعاملات سیاسی هموار خواهد شد. ناظران بر این باورند که امضای این توافق نامه می‌تواند فشارها بر ایران و روسیه را افزایش دهد؛ دو بازیگری که تحت فشار تحریم‌های غرب قرار دارند و به واسطه همین مقوله نوعی هم‌صدایی را تجربه کرده و برای بازتعریف رابطه تاکتیکی-گزینشی‌شان خیز برداشتنند. از همین رو گروهی مدعی‌اند که امضای توافق تازه می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تعاملات نظامی دو کشور شده و هم‌زمان تنش‌ها میان ایران و روسیه با جبهه غرب را افزایش داده و متعاقباً ریزنی‌های صلح برای توقف جنگ در اوکراین و گفت‌وگوهای احتمالی میان تهران و غرب را در آستانه بازگشت ترامپ به کاخ سفید تحت تاثیر قرار دهد و معادلات خاورمیانه را پیچیده‌تر کند. توافقاتنامه استراتژیکی که قرار است روز جمعه امضا شود، محصول تلاش‌هایی پنج ساله است و قرار است جایگزین توافقاتنامه استراتژیک ۲۰ ساله شود؛ موافقت‌نامه‌ای که سال ۲۰۰۱ میان دو کشور امضا و در سال ۲۰۲۲ تمدید شد.

#### محرمانه‌های یک سفر

اخیراً نشریه تایمز با انتشار گزارشی ادعایی به سفر محرمانه علی لاریجانی به روسیه اشاره کرد و مدعی شد که مقام رسمی ایران با هدف تقویت توان نظامی و دفاعی تهران قبل از امضای معاهده جدید به مسکو سفر داشته است. این در حالی است که روسیه در طول دهه‌ها سوخت هسته‌ای یک رآکتور انرژی هسته‌ای ۱۰۰۰ مگاواتی انرژی آب سبک را در اختیار تهران قرار می‌داد. هم‌زمان براساس داده‌های ادعایی، ایران به دنبال دریافت کمک از روسیه جهت ارتقای فن‌آوری هسته‌ای است. با انتشار این گزارش، گروهی مدعی شدند که تلاش تهران و مسکو برای افزایش توان و مشارکت نظامی‌شان می‌تواند بستر را برای توسعه همکاری‌های هسته‌ای هموار سازد؛ گزاره‌ای که زنگ خطر در جبهه غرب را به صدا درمی‌آورد. از همین‌رو یک منبع اطلاعاتی در گفت‌وگو با تایمز ادعا کرد که در صورتی که چنین ادعایی اثبات شود، مسکو برای عبور از خطوط قرمزی که بیشتر در باب برنامه هسته‌ای ایران ترسیم شده، خیز برداشته است. هم‌زمان ویلیام آلبرک، مدیر پیشین سازمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ناتو و یکی از اعضای مرکز ال‌ان‌سی‌مسون مدعی است که روسیه پیش از این با هسته‌ای شدن ایران به شدت مخالف بود، اما امروز تهران برای توسعه برنامه هسته‌ای اش از همکاری مخفیانه با روسیه سود خواهد برد.

#### حاشیه‌های توافق

فارغ از ادعاهای فوق، گروهی از ناظران بر این باورند که توافقاتنامه مشارکت استراتژیک به سان نقشه راه است و شامل ۴۷ ماده می‌شود. یکی از منافع دولتی در ایران در گفت‌وگو با میدل‌ایست‌ای خاطر نشان کرد: این توافق شامل بندی است که به واسطه‌اش نه ایران و نه روسیه در صورتی که هدف تجاوز احتمالی قرار بگیرند در کنار بازیگر تجاوزکننده قرار نمی‌گیرند و اجازه نخواهند داد تا از خاکشان به عنوان پایگاهی برای ماجراجویی استفاده شود. علاوه بر این، در قاب بند دیگر این پیمان به مقوله تمامیت ارضی اشاره شده، چنین گزاره‌ای با اهمیت و برجسته است، بالاخص آنکه روسیه سال گذشته با ادعای امارات متحده عربی در باب جزایر سه‌گانه ایرانی، هم‌صدا شد و مواضع حواشی زیادی را به دنبال داشت. با این همه آنگونه که این منبع ناشناس ادعا کرده است، قرار بر آن نیست که تهران به شکلی متقابل کریمه تحت اشغال روسیه یا سایر مناطقی را که در اختیار مسکو قرار گرفته را شناسایی کند. هم‌زمان همکاری دو کشور برای دوردن تحریم‌های غیرقانونی، از جمله تحریم‌های ثانویه ایالات متحده و حمایت از یکدیگر در مجامع بین‌المللی به شکلی برجسته مورد تأیید قرار گرفته است. این گزاره با‌فعال شدن مکانیسم ماشه با توجه به اینکه روسیه یکی از اعضای دائم شورای امنیت است، چالش‌برانگیز خواهد بود.

#### هم‌صدایی راهبردی

گروهی از ناظران سفر پزشکیان به مسکو آن هم تنها دو روز پیش از برگزاری مراسم تحلیف دونالد ترامپ را در قاب نگاه به شرق در ایران تبیین کرده و بر این باورند که در شرایطی که روابط ایران و غرب، بالاخص ایالات متحده در هاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ تهران بیش از هر زمان دیگر به متحدانش در شرق با‌الخاص روسیه نزدیک شده تا بدین طریق زمینه را برای اعتماد سازی هموار کند. این در حالی است که تعاملات تهران و مسکو بالاخص در حوزه نظامی، یکی از دلایل شکل‌گیری تنش‌ها جدی میان ایران و تروئیکای اروپایی شده و حالا در صورت امضای این توافقاتنامه استراتژیک بستر برای افزایش اختلاف‌ها هموارتر خواهد شد و می‌تواند فرآیند ریزنی‌ها در باب برنامه هسته‌ای ایران را به شکلی منفی تحت تاثیر قرار دهد.